



شبهه از اسلوب نگارش آن پیروی بیشتری شده چون هر زبان نامه  
 هر زبان بن رستم بن شروین که از شهزادگان طبرستان بوده و کتاب  
 مزبور را بزبان طبری در اواخر قرن چهارم هجری تألیف کرده که بعدها  
 در بین سنوات (۶۰۸ - ۶۲۲) سعدالدین و راوینی آنرا در آذربایجان  
 بزبان دری در آورد.

در کتاب کایله و دمنه مستدلّات شعری آیات و احادیث نبوی و کلمات  
 بزرگان از جمله تازگیهائیست که در آن بنظر میرسد و این غیر از شیوهی  
 کتب قدیم است مگر شعر یا آیت و یا حدیثی که با تاریخ یا مطالب مربوط  
 باشد چنانکه در کتب طبری، بیهیمی و کتب متصوفه دیده می شود.

در شواهد شعری چه تازی باشد و یادری درین اثر نام شاعر برده نشده  
 و کذا تحلیل های شعری بسیار دارد که از اشعار تازی یادری در اثر آن  
 حل کرده و غالباً مصرع بیشتری با بطور مثل و بسا غیر آن در طی جمله ها  
 گنجاییده آمده و اگر املات در آن نباشد بو ضاحت معلوم نشده خواننده  
 مشتبه این می شود که نظم است یا نثر. برای مثال:

« بر دشمن اعتماد نشاید کرد و خصم را خوار نباید داشت اگر چه ضعیف  
 باشد، کاند سر و روزگار بیدار دین است. ص ۲۰۱ »

دیگر مثال: «... و ببلندک تملقی انوار ولی در میان آرند و از سر حقد  
 بنای قدیم برخیزند تا دروغ دشمن را تصدیق نمایند و زود بر آشتی قرار  
 دهند و ندانند صلح دشمن چو جنگ، دوست بود. ص ۱۸۹ »

« سزاوار باشد که مملکت او پایدار باشد و دست حوادث مواهب زما نه از  
 وی نتواند ربود و در خدمت او گردد دهر خائن راستکار و چرخ ظالم  
 داد گر. ص ۱۷۵ »

همچنین از شعر و از مضامین و الفاظ شعر استفاده کرده مانند آوردن  
 « لافگام مردان » « عنان گرد کردن » « عنان مراد بدست بودن » مانند:  
 چون دشمنان غلب گرداو بر آمدند دل از جای نبرد... و از عهده عهد  
 شمن بوقت بیرون آید. ص ۲۳۲ سنایی فرماید:



بر این منکر که ذوفنون آید مرد در عهد و وفانگر که چون آید مرد  
از عهد عهد اگر بر و ن آید مرد از هر چه گمان بری فزون آید مرد  
خلاصه این اثر گر انبها و ارجمند حاوی افسانه‌های مفید و حکما یا نیست  
از زبان حیوانات که مراد نویسنده از نبشتن آن جز پند های حکیمانانه  
و اندرز های ادیبانه و حکم عالمانه چیز دیگری نبوده است چه فن افسانه نگاری  
از زبان حیوانات و طيور از طرفی برای تعالیم و تعلم خاصه جهت را هنمایی  
و تربیت بهترین و سهل ترین راه است و از جانبی نگارنده میتواند با انواع  
حکایات و مثل هر پند و حکمتی را که خواسته باشد با لباس افسانه  
بخوانند گمان خود بدهد و هر کدام را تا جایی که مؤثر افتد بالتوبه  
مستفیض و منتفع گرداند.

البته شکی نیست که این صنعت و روش در زما نه‌های پیشین یکی از  
ارکان مهم ادبیات عالم شمرده میشد، اگر صفحات تاریخ ادب را ورق  
زنیم آشکار میگردد که همیشه در تمام ملل و نحل شرق و غرب این فن  
مروج و جزء مهم ادبیات شان قرار داشته و پیوسته بدین فن مشغول بودند،  
چنانکه در یونان قدیم اشعار علم را در اشعار و در میان  
جامعه عرب حکایات لثمان <sup>و علوم را در ابیات</sup> فیدر (۱)  
و کذا اثر برومند شیخ فریدالدین عطار موسوم به منطق  
الطیر (۲) و مرزبان نامه تألیف مرزبان بن رستم بن شروین  
پریم در طبرستانی که بعد بفارسی ترجمه گردیده است همه ازین سنخ ادبیات اند  
اگر بجهان ادب عصر حاضر نظر بینگنیم روشن می‌شود که هنوز این  
سبک اهمیت خود را از دست نداده و روز بروز قدمی فراتر گذاشته می‌آید.

(۱) احوال و اشعار رودکی تا این سمید نفیسی ج ۲ ص ۸۶  
(۲) نام کتابت که موضوع آنرا یکدسته طيوری تشکیل داده که میخواهند نزد

چنانچه در فرانسه (لافونتین) و در ایتالیا (ابرتی) و در انگلستان (جون گئی) و در آلمان (لسینک) و در روسیه (کریلف) و در اسپانیه (ایریادت) و در لهستان (کارا زیسکی) و نظائر آن آثار خود را بدین حلیه آراسته اند و علاوه اهمیت کللیله و دمنه ازین رهگذر ثابت است که همیشه اینکتاب نزد شاهان علم دوست و ادب پرور ارج و اهمیت داشته مورد استفاده قرار میگرفت و نمی خواستند که این یار موافق از حضور شان دوری گزینند و از زمین جاست که با وجودیکه چندین قرن از عمر وی میگذرد هنوز با اهمیت سابق خود باقیست.

حقا که کتاب کللیله و دمنه نظر بمطالب مفید خود محبوب ملوک، مقبول علماء، همدم فضلاء و انیس اهل دانش و بینش بوده است و میتوان آنرا دستور حیا، سرمشق اخلاق و رهنمای زندگانی خواند.

گذشته ازین سلاطین افغان خاصه سامانیان و غزنویان، خلفای عرب و شاهان ایران توجه زیاد خود را بسوی این مخزن ادب و گنجینهی فضل و سفینهی عبرت معذول میداشتند و در اکثر اوقات از فیض بهره هامیگرفتند چون بهرام چوبینی و ماهون <sup>شوشکاه علوم</sup> که از خلفای بنی عباس اند بمطالعه آن

ذوق کاملی نشان میدادند <sup>و بهر روز زمان شهرت این اثر مقبول معقول</sup> و هر کدام بالنو به تقاریظ و مقدماتی چند بران افزودند. نام اصلی این کتاب در لسان سانسکرت (کرتکا و منگا) بود که در زبان پهلوی به (کللیلگ و دمنگ) در آورده شد و بعد ها هنگامیکه این نسخه برومند و اهم را بلغت دری ترجمه میگردند گافهای اواخر (کللیلگ و دمنگ) (بقیه در شماره آینده)